

سخنرانی در دیدار با جمع کثیری از پاسداران، در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار - 10 / اسفند / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در مثل چنین روزی (سوم ماه شعبان) بیش از همه چیز، انسان به یاد امام بزرگوار و عظیم الشان فقیدمان - آن خورشید درخشان زندگی و آن برق لامع تاریخ پرفراز و نشیب ما - می افتد که در چنین روزی، مثل بعضی از مناسبت‌های دیگر، در هیجان و حال مخصوص و خصوصیات روحی عجیبی قرار می‌گرفتند. یاد پاسداران و این جوانان عاشق مؤمن مخلص فداکاری که نظیرشان را در طول تاریخ کم می‌شود پیدا کرد؛ ایشان را به هیجان می‌آورد. یاد سیدالشهداء - حسین بن علی (علیه‌السلام) - روح بزرگ آن بزرگوار را به اهتزاز می‌آورد و در معنویت همه جانبه وجود مقدس سیدالشهداء، غرق می‌شد. همچنین، یاد ماه شعبان و مناجات شعبانیه و معنویات این ماه و استقبال ماه مبارک رمضان، به ایشان حال و معنویت خاصی می‌داد.

بارها در این مناسبت و مناسبت‌های دیگر، ایشان را با همین خصوصیات و جلوه‌های معنا زیارت کرده بودیم. امیدواریم که تصویر نورانی چهره‌ی آن عزیز فقید و آن راحل عظیم، همواره در این مناسبت و دیگر مناسبت‌ها، مقابل چشم همه‌ی ما باشد که این، راه روشن ماست. من هم این روز مبارک را به شما پاسداران عزیز - چه سپاه و چه کمیته - و به همه‌ی ملت ایران و همه‌ی مؤمنین و مسلمین و مستضعفان و ظلم ستیزان عالم، تبریک عرض می‌کنم که حقیقتاً روز ولادت آن حضرت، عید جهانی است.

وجود مقدس سیدالشهداء (علیه‌السلام)، اگر چه بیشتر با بعد جهاد و شهادت معروف شده، لیکن آن بزرگوار در حقیقت مظهر انسان کامل و عبد خالص و مخلص و مخلص برای خداست. اساساً جهاد واقعی و شهادت در راه خدا، جز با مقدمه‌ی از همین اخلاصها و توجه‌ها و جز با حرکت به سمت "انقطاع الی الله" حاصل نمی‌شود.

در این مناجات شعبانیه‌ی عالی‌المضامین می‌فرماید: "الهی هب لی کمال الانقطاع الیک". این کمال انقطاع به سوی خدا و از همه چیز گسستن و همه‌ی قیود و دنباله‌ها را در جهت حرکت به سمت محبوب واقعی بریدن و به آن سمت پرواز کردن، چگونه برای انسان حاصل می‌شود؟ شهادت که قله‌ی فداکاری یک انسان است، بدون حرکت به سمت انقطاع و بدون تلاش و مجاهدت برای ایجاد "انقطاع الی الله"، برای انسان به وجود نمی‌آید. هرگاه انسان تلاشی انجام داد و قدم اول را با همت و عزم و اراده برداشت، آن وقت خدای متعال راه را باز می‌کند و قدم‌های پس از دیگری، به سمت نورانی شدن دل و پرورشیدن وجود انسان برداشته می‌شود.

شما همت می‌کنید، راه را می‌پیمایید و خدای متعال هم در ادامه‌ی راه، به شما کمک می‌کند و کار را آسان می‌سازد و - همان‌طور که این بزرگوار در مناجات شعبانیه درخواست کردند - کمال انقطاع الی الله را ارزانی شما می‌کند. تدبر و توجه به این مضامین و الفاظ و انس با آنها، برای یک کسانی که می‌خواهند به وظایف بزرگ خود عمل بکنند، واجب و لازم و ضروری است.

اعتقاد این است که اگر امام بزرگوار بی‌نظیر ما - که واقعا در میان مردم این زمان، نظیری برای ایشان نمی‌شناسیم و بعد از ائمه‌ی هدی و اولیاءالله (علیهم‌السلام) نظیر ایشان را بسیار کم سراغ داریم - با این مفاهیم مأنوس نبود و با مناجات و دعا سروکار نداشت و اهل تضرع و استغفار و استغاثه و گریه و توسل نبود، بسیار بعید بود که خدای متعال این همه توفیق را به ایشان ارزانی بدارد. موفقیت‌های این بزرگوار، به میزان زیادی مرهون همین ارتباط با خدا و باز بودن راه دل او با درگاه الهی و استغاثه و مناجات و دعا بود. انسان، پیشرفت لحظه به لحظه‌ی این مرد معنوی و الهی را در طی سال‌های اخیر احساس می‌کرد. هر ماه رضایی که بر این بزرگوار می‌گذشت، انسان می‌دید که نورانیتر شده و خدای متعال او را هدایت می‌کرده‌است.

راهی را که ما در طول این یازده سال پشت سر امام طی کردیم، راهی نبود که به طور طبیعی و بدون هدایت و حمایت و کمک الهی بتوانیم آن را طی کنیم. از پیچ و خم‌های عجیبی عبور کردیم و به برکت رهبری امام (ره)، فراز و نشیب‌های عجیبی را پشت سر گذاشتیم و این نبود مگر آن که هدایت الهی ما را کمک می‌کرد.

عقیده‌ی خود ایشان هم همین بود و من از ایشان این حرف را شنیده بودم که می‌گفتند: "من از اول انقلاب، احساس می‌کنم دست هدایتی ما را کمک می‌کند و پیش می‌برد و راهها را در مقابل ما باز می‌کند". حقیقت هم همین بود و خدای متعال این هدایت را در مقابل مجاهدت و خلوص و صفا و نورانیت، ارزانی می‌دارد. هدایت الهی، به انسانهای غافل نمی‌رسد. این که در همین مناجات شعبانیه می‌فرماید: "و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک"، این نورانی کردن چشم دل و روشن کردن حقایق برای دل بیدار و چشم بصیر مؤمن، رایگان به دست نمی‌آید و بدون مجاهدت و تلاش و ارتباط با خدا، امکان ندارد تحقق پیدا کند.

امروز در سطح کشور، توصیه‌ی ما به عموم مردم - بخصوص کسانی که عشق و علاقه‌ی بیشتری به این انقلاب و محصول آن دارند - همین است و علاج و ضرورت قطعی را در این می‌دانیم که بایستی آحاد مردم، ارتباطات و انس فردی و صحبت و مناجات با خدا را در خود تقویت کنند. این، راه امام است و هدایت الهی به دنبال این ارتباط و تماس با خدا میسر می‌شود؛ همچنان که در این ده سال هم همین‌طور بوده‌است و شما جوانهای با اخلاص و پاکدل، این روحیه را در جبهه‌های گوناگون از خودتان نشان دادید و نتایجش را هم دیدید و همچنان که درس امام ما نیز این بود.

یک بار از ایشان سؤال کردم که در میان دعا‌های معروف، به کدامیک از آنها بیشتر انس یا اعتقاد دارید؟ ایشان بعد از تأملی فرمودند: "دعای کمیل و مناجات شعبانیه". وقتی که شما به این دو دعا مراجعه می‌کنید، با این که دعا‌های دیگر هم - مثل ابوحمزه‌ی ثمالی و یا دعای امام حسین در روز عرفه و دعا‌های فراوان دیگر - برقراری رابطه با خداست؛ اما در این دو دعا و مناجات، حالت استغفار و انابه و استغاثه و تضرع به پروردگار را به شکل عاشقانه‌ی آن مشاهده می‌کنید. دعای کمیل هم مناجاتی با خدای متعال است و رابطه‌ی محبت و عشق میان بنده و معبود را ترسیم می‌کند و این همان چیزی بود که امام بزرگوار ما، روح و دل خود را از آن روشن و منور می‌داشت.

این ماه، ماه شعبان و آستانه‌ی ماه مبارک رمضان است و این دعاها و راه و صفا و توصیه‌ی امام امت، پیش دید ماست. ملت ما امروز و همیشه، به عزم پولادین و قدم استوار در این راه پرفراز و نشیب و راه مجد امت اسلامی و اعلاي کلمه‌ی اسلام و مسلمین و احیای ارزشهای اسلامی و مجسم کردن واقعی عدالت اجتماعی و حمایت از مظلوم و ضعیف - چیزی که در دنیا شعارش را دادند، اما عمل نشد - احتیاج دارد.

امروز در سرتاسر دنیا، میلیاردها انسان زیر فشار سنگین ظلم و بی‌عدالتی قدرتهای بزرگ دست و پا می‌زنند. آنها یک نمونه احتیاج دارند و یک الگو می‌خواهند و شما می‌خواهید آن الگو را نشان بدهید. بار بسیار سنگین و کار بزرگی است. البته، راه عملی وجود دارد. این راه، پیمودنی است و ما تا امروز پیموده‌ایم و به فضل الهی و به کوری چشم دشمنان، این راه را تا آخرین مرحله، با موفقیت خواهیم رفت و به ملت‌ها و مستضعفان و جویندگان حق، راه و سرمنز را نشان خواهیم داد. در عین حال، کار سنگین و بزرگی است و آمادگی و توکل و ارتباط و اتکای به ذات مقدس باری تعالی و عشق به ارزشهای الهی و رابطه‌ی معنوی و عرفانی لازم دارد.

امروز، شما می‌بینید که در رأس دشمنان بشریت، یعنی همین دستگاه استکبار و قدرت شیطانی و اهریمنی امریکا و در ذیل، همه‌ی قدرتهای شیطانی و اهریمنی، با ارزشهای انسانی چه می‌کنند و چه طور بشریت را به ابتذال می‌کشاند و همه‌ی جلوه‌های معنویت را به مسخره و استهزا می‌گیرند. اینها دشمنی است. می‌بینید که امروز، چون نظام جمهوری اسلامی پرچم معنویت را بلند کرده است و راه اسلام را می‌پیماید و برای اسلام و ارزشهای اسلامی تلاش می‌کند، چه قدر مورد بغض و عداوت اینهاست.

گاهی انسان تعجب می‌کند اینها چه قدر با اسلام و معنویت دشمنند. می‌بینید چه می‌کنند و چه قدر پول خرج می‌کنند تا با تبلیغات زهرآگین و دروغ و تهمت‌آلود خود، جمهوری اسلامی را در چشم خلائق اطراف دنیا بد و زشت جلوه دهند. چرا این قدر پول خرج می‌کنند؟ چرا این قدر به تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی، احساس احتیاج می‌کنند؟ چون نظام جمهوری اسلامی، بدون تبلیغات شوم آنها، برای ملت‌ها پرجاذبه است و من می‌گویم که حتی با همین تبلیغات هم، جاذبه‌ی جمهوری اسلامی در چشم ملت‌ها زیاد است.

عصبانیت دستگاه استکبار و بخصوص امریکا از این است که می‌بینند در سرتاسر جهان اسلام، بیداری اسلامی

روزبه روز بیشتر می شود. اینها امیدوار بودند که با گذشت زمان، شعارهای جمهوری اسلامی در دنیا کهنه و بی اثر بشود؛ ولی دیدند که نشد. اینها دل بسته بودند که با رحلت و فقدان امام - که شمع جمع مشتاقان در سرتاسر دنیا بود - شعارهای اسلامی بی اثر و فراموش بشود؛ ولی دیدند که نشد.

امروز امام نیست؛ اما یاد و خط و شعارها و هدفهای امام، روزبه روز در دنیا پرنورتر و پر جلوه تر می شود. ملتها، با یاد امام و سخنانش به هیجان می آیند و کار را بر مستکبران و حکومتهای ارتجاعی، روزبه روز تنگتر می کنند. همان طور که بارها گفتیم، این نهال طیب اسلامی، به وسیله ی آن دست ملکوتی و معنوی در سرزمین فطرت انسان غرس شد و امام (ره) ده سال از او محافظت کرد. این، دیگر تمام شدنی نیست. "الم ترکیف ضرب الله مثلا کلمه طيبه کشجره طيبه اصلها ثابت و فرعها في السماء تؤتي اکلها کل حين باذن ربها".

امروز، این گونه شده است و همین نکته، دشمنان را عصبانی می کند. آنها امیدوار بودند که در داخل جمهوری اسلامی، این چراغ بتدریج کم نور و خاموش بشود؛ چه رسد به این که در دنیا روزبه روز مشتعلتر بشود. امروز، می بینند که در داخل و خارج کشور، چراغ فضایل اسلامی و جهاد با شیطانها و شیطان بزرگ و حرکت به سمت ارزشهای الهی و اسلامی، روزبه روز فروزانتر می شود.

این حرکت عظیم و پرافتخار بیست و دوی بهمن امسال، دشمنان را سوزاند. به ملت بزرگ ما مژده باد که با حرکت هوشیارانه ی خودشان توانستند دشمن را دچار درد و غیظ کنند. "قل موتوا بغيظکم". این غیظ، با حرکت انقلابی ملت ما، در دل دشمنان به وجود آمد. این ملت، ملت آگاهی است. حرکتی که بر دوش چنین ملتی باشد، تمام شدنی نیست.

بعد از بیست و دوم بهمن، دستگاههای استکبار مرتب در کار هستند تا شاید بتوانند به گونه یی، اثر این حرکت عظیم را از بین ببرند که البته نمی توانند و نخواهند توانست. امروز، تبلیغات رادیوهای بیگانه در بالاترین حجم خود، علیه جمهوری اسلامی تلاش می کند. این، بعد از بیست و دوی بهمن است. البته، در طول یازده سال گذشته، در چند برهه تهاجم همه جانبه و پر از غیظ و حقد و کینه ی رادیوهای بیگانه و خبرگزاریهای خارجی را یادمان است که پیداست این خبرگزاریها و رادیوها، غالباً به مراکز واحدی منتهی می شوند و ابزاری در دست سرمایه داران و صهیونیستها و گردانندگان دنیای استکبار و استثمار امروز هستند.

جنگ تبلیغاتی عظیمی را در هربره یی که لازم دانستند، علیه جمهوری اسلامی به راه انداختند و در یکی دو هفته ی اخیر بعد از بیست و دوی بهمن، پس از آن که گنجی و عدم قدرت تحلیل آنها برطرف شد، حجم عظیمی از تبلیغات را علیه جمهوری اسلامی شروع کردند و هرکاری که توانستند، انجام دادند. ملت ایران باید توجه داشته باشند که دشمن دست به هر کاری می زند: از شایعه پراکنی و دروغ آفرینی تا تحریک و بزرگ کردن ضعفها و ایجاد فضای غبارآلود و نومیدکننده از آینده؛ درست همان چیزهایی که برای دشمن آرامبخش است.

هر چیزی را که امیدوار بودند داخل جامعه یی ما باشد، ولی نیست، سعی کردند با تبلیغات وانمود کنند که هست! می خواهند اختلاف باشد؛ ولی بحمدالله اختلاف عمیق و بنیانی در جامعه یی ما نیست؛ آنچه که هست، سطحی می باشد و حایز اهمیت نیست و در این حدها مضر نمی باشد؛ اما آنها این طور وانمود می کنند که اختلافات بین مسؤولان جمهوری اسلامی عمیق است و جنگ قدرت وجود دارد! همان چیزی که در دنیای استکبار، بین خودشان وجود دارد و آن را بدروغ و خلاف واقع، به ما نسبت می دهند.

در میان مردم ما، امید به آینده وجود دارد. دلها، آینده را روشن می بیند. ما که یازده سال، سخت ترین بخش این راه را طی کرده ایم، چرا به آینده امیدوار نباشیم؟ لذا مردم ما به دولت و برنامه ها و مجلس و قوه ی قضاییه و نیروهای نظامی و انتظامی امیدوارند و احساس قدرت می کنند و می دانند که در آینده، قویتر هم خواهند بود. این، احساس مردم ماست و احساس بجایی هم هست و باید هم مردم امیدوار باشند.

راهی که ما در آن حرکت می کنیم، راه امید است؛ زیرا که راه خدا و قوانین الهی طبیعت است. ما بر طبق قوانین الهی و طبیعی حرکت می کنیم. این قوانین الهی و طبیعی، همان قوانینی است که علی رغم حدود دو قرن تلاش دشمنان اسلام و دین برای خارج کردن دین از صحنه، آن تلاشها را خنثی کرد و امروز دین در دنیا مطرح است.

حکومت دینی، در این نقطه‌ی حساس عالم به وجود آمد و امروز دین در دنیا يك امر مطرح شده است و کشورهایی که هفتاد، هشتاد سال از دین دور نگه داشته شدند، بازسازی دینی می‌کنند. این، همان قوانین طبیعی و الهی است. آیا صهیونیستها، این تحول را می‌خواستند؟ آیا گردانندگان جریانها و سیاستهای مادی - که دنیا را به سمت هرزگی کشاندند و معنویت را بکلی در زندگی مردم به فراموشی سپردند - این دگرگونی را می‌خواستند و مایل بودند که دوباره دین و شعار دینی - و بخصوص اسلامی - زنده بشود؟ می‌بینید که شد. این، همان قوانین الهی است که علی‌رغم خواست دشمنان خدا و اسلام و دین و معنویت، کار خود را می‌کند و راه خویش را باز می‌نماید. ما که طبق این قوانین حرکت می‌کنیم، چرا امیدوار نباشیم؟

ما طبق همان قوانینی حرکت می‌کنیم که رسول اکرم (ص) در سخت‌ترین دوران زندگی، به اتکای آن قوانین احساس امیدواری می‌کرد. همان روزی که تمام قومش در مکه او را محاصره کرده بودند و حتی جاننش در خطر بود و نمی‌گذاشتند در خانه‌اش زندگی بکند و مجبور بود يك روز به طایف و يك روز به شعب ابی‌طالب برود، در آن روز می‌گفت: "ان انا الا نذیر مبین". می‌فرمود: من انذار دهنده و بیان کننده‌ی حقایق هستم. او، به اتکای چه چیزی این سخنان را می‌گفت؟ به اتکای خدا و قوانین الهی و مجاهدتی که تصمیم داشت بکند. ما هم که به اتکای همین قوانین حرکت می‌کنیم، چرا امیدوار نباشیم؟ او توانست و ما هم خواهیم توانست. او توانست تاریخ را عوض کند و صدها سال دنیا را تحت تاثیر احکام و نظام خود قرار بدهد؛ ما هم دنباله‌ی همان راهیم و خواهیم توانست. چرا ملت ایران امیدوار نباشند؟ دشمن که می‌خواهد ملت ایران امیدوار نباشند، در تبلیغات و شایعه‌پراکنیها و دروغ‌سازیهایی خود، این نومیدي را منعکس می‌کند. خدا می‌داند که در این روزها، چه قدر شایعه‌ی دروغ به دست دشمن در میان جامعه‌ی ما منتشر کردند. من، دایما در جریان این شایعات قرار می‌گیرم و می‌دانم که مخصوصا چه شایعاتی را - حتی در بعضی از شهرها - به وسیله‌ی همین رادیوها و معدود عناصر خود فروخته‌ی خائن پشت به خدا و خلق کرده، منتشر می‌کند.

بحمدالله راه ما، راه روشن و اسلامی است که امام (ره) به ما معرفی کرد. راه ما، راه آن اسلامی است که دشمنان خدا از آن می‌ترسند و مستضعفان و مظلومان از آن خوشحال و امیدوار می‌شوند؛ نه چیزی که اسمش اسلام است و از اول تا آخر، در خدمت دشمنان اسلام می‌باشد. ما این را به عنوان اسلام قبول نداریم. این، همان اسلام امریکایی است؛ تعبیر درستی که بارها امام فقید حکیمان، آن را تکرار می‌کردند.

اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهلها از آن بترسند. اگر اسلامی بود که ابوجهلها و ابوسفیانها از آن نترسیدند و با آن دشمن نبودند، باید در اسلام بودنش شك کنیم. آن اسلامی هم که طبقات مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فروکشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا - نه فقط در سطح کشور خودمان - زنده و احیا کند، شك کنید در این که این دین، اسلام باشد.

همه‌ی بشریت متدین، منتظر مصلح است و همه‌ی مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌وارواحنافده) در نظر مسلمانان این است که: "یملاالله به الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا". عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است. اسلامی که در آن، تلاش برای عدالت و مبارزه با ظلم نباشد، چه طور می‌تواند اسلام باشد و بشریت به سمت آن حرکت کند؟ بشر به سمت آن چیزی حرکت می‌کند که مظهر آن، وجود مقدس مهدی (علیه‌الصلاه‌والسلام و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) باشد و او کسی است که در احادیث متواتر وارد شده که دنیا را از عدل و داد پر می‌کند و ظلم را ریشه‌کن می‌سازد.

راه ما این است؛ راه اسلامی که امام (ره) ترسیم کرد و ده سال دربارهی آن - غیر از آنچه که در دوران مبارزات و قبل از آن گفته بود - صحبت کرد. در این ده سال، به مناسبت‌های گوناگون و در جریان زندگی و در برخورد با حوادث، اسلام را برای ما روشن کرد. امروز، برای هیچ کس نقطه‌ی مبهمی باقی نیست. راه ما این راه است که بسیار مطمئن و امیدبخش و روشن می‌باشد.

در این راه، امید هست؛ اما مجاهدت هم لازم دارد و این مجاهدت، جز با ارتباط با خدا و خالص کردن خود و دور

شدن از رذایل اخلاقی، امکانپذیر نیست. پیمودن این راه، با اختلاف کلمه و تشنت هم ممکن نیست. وحدت کلمه‌یی را که دارید، باید حفظ کنید. باید از اختلاف کلمه - به هر شکل - بپرهیزید. هیچ کس نباید هیچ حرکتی را که موجب اختلاف می‌شود، انجام بدهد و اگر کسی انجام داد، دیگری نباید آن را تشدید کند. این، وظیفه‌ی عمومی است. این، تکلیفی مثل نماز و جهاد است. این، خود جهاد فی سبیل الله می‌باشد. امروز، جهاد این است.

البته، همه‌ی نیروهای مسلح - چه نظامی و چه انتظامی، چه ارتش و چه سپاه، چه کمیته و چه شهربانی و ژاندارمری - و پشت سر همه‌ی اینها، بسیج عظیم مردمی، باید آمادگی خود را نیز برای دفاع نظامی از دستاوردهای انقلاب حفظ کنند. ما مکرر این توصیه را کرده‌ایم، باز هم می‌کنیم. این، توصیه‌ی خشک و خالی هم نیست؛ این، دستور است و همه‌ی مسؤولان و نیز مسؤولان نیروهای مسلح، باید این را به عنوان یک وظیفه بشنوند و به طور جدی دنبال آن باشند.

آمادگی، شامل آمادگی رزمی و آموزشی و سازماندهی و انضباط و اخلاق و پشتیبانیها و انواع دیگر آن است و بخصوص در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این آمادگی باید بیشتر باشد. ضمن این که نیروهای سه گانه‌ی سپاه موظفند کارهایشان را انجام بدهند، نیروی زمینی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بخصوص نقش ویژه‌یی دارد.

امروز، اهمیت نیروی زمینی مضاعف است و وظایف آن، بسیار مهم و روشن می‌باشد و همان طور که برای سپاه و ارتش ترسیم کردند، خطوط کار این سازمانها مشخص است. نیروی زمینی سپاه، بایستی ان شاء الله روزبه‌روز از لحاظ سازماندهی و آموزش و حضور - بخصوص در مناطقی که حضور آنها لازم است - خود را آماده‌تر بکند.

با این تلاشهایی که می‌کنید و خواهید کرد، خداوند هم کمک و فضل و لطف خود را بر شما نازل خواهد نمود. امیدواریم که خداوند متعال، همه‌ی شما و همه‌ی ملت ایران و تمام مسلمین مجاهد و مبارز عالم را، مشمول دعای حضرت بقیه‌الله (ارواحنا فداه) قرار بدهد و دعای روح مطهر امام عزیزمان را هم شامل حال همه‌ی ما بفرماید. والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته